

جایگاه امانت داری در کلام و سیره نبوی

❖ فاطمه اکرمی ابرقویی

چکیده :

از خصلت های بسیار زیبا و پسندیده، امانتداری و بازگرداندن بموقع و همراه با حفظ سلامت امانت است. همه ادیان مقدس الهی، خصوصاً اسلام در تقویت این صفت نیک، توصیه های فراوان کرده اند به طوری که آن را از مقدمات ایمان و حتی شرط قبولی دیگر اعمال بر شمرده اند؛ چرا که اگر کسی امانت دار نباشد، نمی تواند حدودالله را که خداوند آن را از طریق رسول الله (ص) و دیگر اهل بیت (ع) برای ما به صورت امانت باقی گذاشته اند را ادا کند. امانتداری نشان دهنده دین و ایمان هر انسانی است، به دلیل آنکه لازمه امانت، راست-گویی، از خودگذشتگی، شجاعت، بلند همتی و تمام صفات عالی انسانی است. از این رو هرکس امین باشد، به خدا ایمان داشته و مسلمان واقعی است. شاید کمتر موضوعی در گفتار اهل بیت همچون امانتداری مورد توجه جدی قرار گرفته باشد؛ چرا که امانت در دین اسلام ملاک مسلمان و مؤمن واقعی است و آخرین وصیت پیامبر خاتم (ص) نیز به امانتداری تعلق گرفته است که تمامی این تأکیدات به جهت وجود آثار فردی و اجتماعی فراوان در صفت امانتداری می باشد این نوشتار سعی دارد تا در حد توان، اهمیت و جایگاه امانت داری را در کلام و سیره رسول الله مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه : امانت، امانت داری، سیره نبوی، کلام نبوی

امانت داری یکی از صفات برجسته انسانی است و یکی از ارکان دین اسلام به شمار می رود. خدای بزرگ در قرآن کریم، آیه 8 سوره مومنون شخص امین و امانت دار را ستوده و او را در ردیف مؤمنین قرار داده است. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: اساس اسلام، امانت داری است. (غررالحکم و درر الکلم، ج 4، ص 47)

امین به کسی گفته می شود که اگر مالی یا چیزی به دست او سپرده شود، یا مسئولیت به او واگذار گردد و یا سرپرستی خانواده یا گروه و دسته ای را بر عهده بگیرد، در مال و ناموس دیگری خیانت نمی کند و در کسب و کار و مسئولیتی که بر عهده دارد، خدا را ناظر می داند و ایمان دارد که اگر خیانت کند، خداوند در عالم آخرت او را مجازات خواهد کرد و اگر امانت دار خوبی باشد، خداوند عمل او را بدون پاداش نخواهد گذاشت.

امانت و امانت داری، رکن مهم اخلاق و نشان دهنده دین و ایمان هر انسانی است، چرا که لازمه امانت، راست گویی، از خود گذشتگی، شجاعت، بلند همتی و تمام صفات عالی انسانی است. از این رو هرکس امین باشد، به خدا ایمان داشته و مسلمان واقعی است.

خداوند در قرآن کریم در بیان صفات بعضی از پیامبران، عنوان (رسول امین)، (ناصح امین) و یا (صادق الوعد) را آورده است که این تعبیرات بیانگر اهمیت امانت داری است .

پیش از اسلام به پیامبر(ص) لقب امین داده بودند، زیرا مردم اموال و امانت های خود را نزد آن حضرت به امانت می سپردند و ایشان آنها را به طور صحیح و سالم به صاحبانشان برمی گرداند. بعد از ظهور اسلام نیز این لقب همچنان به وی گفته می شد. قرآن در آیه 8 سوره مومنون به مردم دستور داده است که با پیروی از نبی، امانات را به درستی حفظ کرده و به موقع به صاحبانشان باز گردانند.

خداوند اعلام می دارد که ادای امانت از فرمان های الهی است که باید حتماً به انجام آن اقدام کرد، آن جا که با تأکید می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا : خداوند فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش پرداخت کنید.

در مورد شأن نزول این آیه چنین نقل شده: وقتی در سال هشتم هجرت، مکه به دست سپاه اسلام به فرماندهی پیامبر اکرم (ص) فتح و آزاد شد، عثمان بن طلحه در آن وقت کلید دار کعبه از طرف مشرکان بود، پیامبر (ص) او را احضار کرد و کلید را از او گرفت تا در کعبه را باز کند و درون خانه کعبه را از لوٹ وجود بت ها پاک نماید، پس از انجام این کار، عباس عموی پیامبر (ص) از پیامبر (ص) (تقاضا کرد تا کلید داری کعبه را (که منصب مهمی بود) ، به او واگذارد، ولی پیامبر (ص) بر خلاف این تقاضا، پس از بستن در کعبه، کلید را به عثمان بن طلحه (با این که در آن وقت مشرک بود) داد، در حالی که این آیه را تلاوت می کرد: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا. (تفسیر مجمع البیان، ج 3، ص 63)

این شیوه پیامبر (ص) که بر اساس فرمان قرآن بود، حاکی از اهمّیت ویژه در امانت داری است، تا آن جا که تقاضای عمویش را رد کرد و امانت را به صاحبش که مشرک بود بازگرداند.

اهمیت امانت داری در روایات اسلامی :

در روایات اسلامی نیز برای امانت و ادای آن اهمّیت و فواید فراوانی ذکر شده است از جمله :

امام صادق (علیه السلام) در روایتی فرمود: عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكُمْ، فَلَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ائْتَمَنَنِي عَلَى أَمَانَةٍ لَأَدَيْتُهَا إِلَيْهِ: بر شما باد به امانت داری نسبت به کسی که شما را امین قرار داده است. همانا اگر قاتل امیرالمؤمنین امانتی را به من بسپارد، هرآینه آن را بر می گردانم. (الكافی، ج ۵، ص ۱۳۳)

امام سجاد (ع) نیز در حدیثی خطاب به گروهی از شیعیان فرمود: عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ، فَوَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ائْتَمَنَنِي عَلَى السَّيْفِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ لَأَدَيْتَهُ: بر شما باد به ادا کردن امانت. سوگند به کسی که محمد (ص) را به حق مبعوث نمود، اگر قاتل حسین بن علی شمشیری که با آن پدرم را به قتل رسانده در نزد من امانت گذارد آن را به او باز خواهم گرداند. (روضة الواعظین، ص ۳۷۳)

امام علی (عل) می فرماید: أَقْسِمُ لَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ لِي قَبْلَ وَفَاتِهِ بِسَاعَةٍ مَرَارًا ثَلَاثًا: يَا أَبَا الْحَسَنِ، أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ فِيمَا قَلَّ وَجَلَّ حَتَّى فِي الْخَيْطِ وَالْمِخِيطِ: سوگند می خورم پیامبر خدا (ص) ساعتی پیش از وفات خود سه بار به من فرمود: یا ابالحسن، امانت را، کم باشد یا زیاد، به نیکوکار و بدکار برگردان؛ اگر چه آن امانت نخ یا سوزنی باشد. (تحف العقول، ص ۱۷۵)

امام علی (ع) نیز می فرماید: شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ: بدترین مردم کسی است که به امانت، اعتقادی ندارد و از خیانت اجتناب نمی ورزد. (عیون الحکم والمواعظ، ص ۲۹۴)

امانت داری در کلام نبوی:

شاید کمتر موضوعی در گفتار پیامبر (ص) و امامان (ع)، هم چون امانت داری مورد توجه جدی قرار گرفته و با تعبیرات گوناگون به اوج ارزش آن تصریح شده باشد، ده ها؛ بلکه صدها سخن از پیشوایان معصوم (ع) در مورد رعایت امانت و هشدار درباره خیانت در آن به ما رسیده که هر کدام به نحوی ما را به حفظ حرمت امانت

داری فرا می خواند. در این جا به عنوان نمونه به چند حدیث از پیامبر اکرم (ص) که هم بیان گر اهمیت امانت داری و هم بیان گر موضع گیری و روش و منش پیشوایان در این راستا است، اشاره می کنیم :

❖ کسی که به امانت خیانت کند و آن را به صاحبش برنگرداند و با این حال بمیرد، بر دین اسلام نمرده است، لذا در حالی با خدا ملاقات می کند که خداوند نسبت به او خشمگین است. (بحارالانوار، ج 75، ص 171

(

❖ لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَابُّوا وَ تَهَادَوْا وَ أَدَّوْا الْأَمَانَةَ؛ أَمَّتْ مِنْ تَا هُنْكَامِي كَهْ يَكْدِيْكَرَ رَا دُوسْت بَدَارَنْد، به یکدیگر هدیه دهند و امانتداری کنند، در خیر و خوبی خواهند بود. (عیون اخبار الرضا ج 2، ص 29، ح 25

(

❖ مَنْ خَانَ أَمَانَةً فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَرْدِّهَا إِلَى أَهْلِهَا ثُمَّ أَدْرَكَهُ الْمَوْتُ مَاتَ عَلَى غَيْرِ مِلَّتِي وَ يَلْقَى اللَّهَ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانٌ؛ کسی که در دنیا به امانتی خیانت کند و آن را به صاحبش برنگرداند و آنگاه بمیرد بر دین من نمرده است و با خدا دیدار می کند در حالی که بر او خشمگین است. (من لا يحضره الفقيه ج 4، ص 15)

❖ لَيْسَ مِنْ مَنْ يُحَقِّرُ الْأَمَانَةَ حَتَّى يَسْتَهْلِكُهَا إِذَا اسْتَوْدِعَهَا؛ از ما نیست کسی که امانت را کوچک بشمارد و از آن مواظبت نکند و در معرض تلف شدن قرار بده. (بحارالأنوار ج 72، ص 172، ح 13)

❖ إِذَا رَأَيْتَ مِنْ أَخِيكَ ثَلَاثَ خِصَالٍ فَارْجُهُ: الْخِيَاءُ وَ الْأَمَانَةُ وَ الصَّدْقُ؛ هر گاه در برادر (دینی) خود سه صفت دیدی به او امیدوار باش: حیا، امانتداری و راستگویی. (نهج الفصاحه ص 193، ح 205)

❖ ثَلَاثٌ لَيْسَ لِأَحَدٍ النَّاسِ فِيهِ رُحَصَةٌ: بَرُّ الْوَالِدَيْنِ مُسْلِمًا كَانَ أَوْ كَافِرًا وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِمُسْلِمٍ أَوْ كَافِرًا وَ الْأَمَانَةُ إِلَى مُسْلِمٍ كَانَ أَوْ كَافِرًا؛ سه چیز است که ترک آن برای هیچ کس جایز نیست : نیکی به پدر و مادر مسلمان

بر این اساس ملاک ایمان تنها نماز و روزه و حج و انفاق نیست؛ بلکه اگر انسان در کنار این اعمال امانتدار نیز بود، ایمان و تقوای او ارزشمند است؛ زیرا چه بسا افرادی اهل نماز و روزه و انفاق و حج و حتی نماز شب هستند، اما هرگاه سرّی از اسرار برادر دینی آنان به گوششان می‌رسد، آن را افشا می‌نمایند و یا از امانت‌های الهی که خداوند در نزد آنان به ودیعه گذاشته، پاسداری نمی‌کنند که طبق این روایت، ایمان چنین افرادی ارزش ندارد و در پیشگاه خداوند جایگاهی ندارند. امانت‌داری از چنان اهمیتی برخوردار است که کافر و منافق و فاسق نمی‌شناسد؛ بدین معنا که انسان مکلف است امانت دیگران را حفظ نماید؛ حتی اگر صاحب امانت کافر، منافق یا فاسق باشد.

نمونه هایی از امانت داری در سیره نبوی :

از بررسی سیره درخشان پیامبر (ص) به دست می آید که ایشان به مسئله امانت (معنوی و مادی) بسیار دقت کرده و اهمیت می داده اند برای مثال :

✚ پیامبر(ص) در حفظ امانت به قدری جدی و کوشا بود که به امین لقب گرفت، به طوری که قبل از بعثت وقتی مشرکان او را می دیدند می گفتند : امین آمد. چنان که در ماجرای نصب حجرالاسود در جای خود، که پنج سال قبل از بعثت رخ داد، همین مطلب آمده است که گفتند : هذا الامین قد رضینا به؛ ما به داوری این امین در نصب حجرالاسود، راضی شدیم. (کحل البصر محدث قمی، ص 125)

✚ در ماجرای هجرت پیامبر(ص) از مکه به مدینه آن حضرت در سخت ترین و خطرناک ترین شرایط، حضرت علی (ع) را به جای خود نصب کرد و شبانه از مکه خارج شد، اموری موجب شد که پیامبر (ص) علی (ع) را جانشین خود کند و پس از چند روز، هجرت نماید، در رأس این امور، ادای امانت هایی بود که بعضی از مشرکان در نزد پیامبر (ص) داشتند، ابن هشام در سیره خود می نویسد : حضرت علی (ع) سه

شبانۀ روز در مکه ماند تا امانت های مردم مکه را که نزد پیامبر(ص) بود، به صاحبانش برساند تا پس از آن که امانت ها را به صاحبانش رد کرد او نیز هجرت کند. (سیره ابن هشام، ج 2، ص 138)

از حوادث جالب این که در ماجرای جنگ خیبر که در سال هفتم هجرت رخ داد، آذوقه سپاه اسلام، تمام شد و از نظر غذا رسانی به قدری در مضیقه قرار گرفتند که برای برطرف نمودن گرسنگی، از گوشت حیواناتی مانند اسب، قاطر و... (که گوشتشان مکروه است) می خوردند، در این شرایط چوپانی از یهودیان را دیدند که گوسفندهای آنها را از بیابان به سوی قلعه ها می برد، خواستند آن گوسفندان را به غنیمت بگیرند، چوپان گفت: این ها نزد من امانت است. پیامبر (ص) در برابر صدها سرباز گرسنه، با صراحت فرمود: در آیین ما خیانت به امانت، یکی از بزرگ ترین جرم ها است، بر تو لازم است که همه گوسفندها را تا در قلعه ببری و به صاحبانش برسانی. آن چوپان اسلام را پذیرفت، گوسفندان را به صاحبانش سپرد و سپس به سپاه اسلام پیوست و با یهودیان جنگید تا به شهادت رسید. (فروغ ابدیت، ج 2، ص 247)

مسئله جالب دیگر درباره هشدار شدید پیامبر(ص) به کسی است که اندکی در امانت بیت المال خیانت کرده بود، او یکی از اصحاب به نام "مدعم" غلام رفاعه بن زید بود، هنگامی که رسول خدا (ص) و همراهان از جنگ خیبر باز می گشتند به سرزمین وادی القری رسیدند، در آن جا مدعم مشغول پیاده کردن وسایل سفر پیامبر(ص) از پشت شتر بود، ناگاه تیری از ناحیه دشمن به پیکر مدعم اصابت کرد و به شهادت رسید، اصحاب دور جنازه مطهر او جمع شدند و ضمن اظهار تأسف، خطاب به او گفتند: بهشت بر تو گوارا باد. پیامبر (ص) فرمود: نه سوگند به کسی که جان محمد در دست اوست، اکنون زبانه های آتش از لباسی که مدعم پوشیده شعله ور است، چرا که او آن را از غنایم خیبر برداشته و به امانت خیانت کرده است. حاضران از این سخن پیامبر(ص) به سختی تحت تأثیر قرار گرفتند، یکی از اصحاب به پیش آمد و عرض کرد: ای

رسول خدا! آیا من هم که دو بند کفش ناچیز را از غنایم برداشته‌ام، مجازات می‌شوم؟ پیامبر (ص) فرمود: یقَدْ لک مثلها فی النار؛ برای تو نیز همانند آن دو بند کفش در آتش دوزخ بریده می‌شود (سیره ابن هشام، ج 3، ص 353 و 354)

✚ پیامبر اکرم (ص) آن هنگام که قصد ترک مکه را نمود به علی (ع) سفارش کرد که آنچه را از مردم مکه در نزد آن حضرت است، به آنان بازگرداند و سپس عازم مدینه شود؛ این در حالی است که مردم مکه به آن حضرت جفا کردند تا آنجا که قصد کشتن آن حضرت را داشتند؛ ولی با وجود این پیامبر اکرم (ص) امانت آنان را بازگردانید.

✚ روزی مردی خسته، گرسنه و فرتوت از فشار فقر و مشکلات وارد مسجد شده و سراغ پیامبر اکرم صل الله علیه و آله را گرفت. ایشان را در گوشه‌ای از مسجد مشغول عبادت یافت. نزدیک رفت و کنار پیامبر صل الله علیه و آله نشست. سلام کرد و سفره دلش را پیش ایشان باز کرد.

پیامبر صل الله علیه و آله با دقت به سخنان پیرمرد گوش داد. سپس به او فرمود: «بنشین، پروردگار، بزرگ و تواناست». در همین میان، فرد دیگری هم از راه رسید و از حضرت مقداری غذا درخواست کرد. پیامبر اکرم صل الله علیه و آله به او نیز فرمود: «بنشین، پروردگار، بزرگ و تواناست». هنوز سخن پیامبر صل الله علیه و آله با او تمام نشده بود که نفر سوم هم آمد و تقاضای کمک کرد و پیامبر صل الله علیه و آله همان جواب را دوباره تکرار کرد. اندکی گذشت و مردی با کیسه‌ای گندم وارد مسجد شد.

به پیامبر صل الله علیه و آله و حاضران سلام کرد و گفت: «یا رسول الله! این چهار صاع گندم، زکات مال من است که خدمت شما آورده‌ام». کیسه گندم را داد و رفت. پیامبر اکرم صل الله علیه و آله نیز به هر کدام از فقیران، یک صاع گندم داد و یک صاع را پیش خود نگه داشت تا به مستحق دیگری بدهد. پس از نماز

مغرب و عشاء، پیامبر اکرم صل الله علیه و آله فرمود: هر کس مستحق است، یک صاع گندم نزد من است، بیاید و تحویل بگیرد. ولی کسی نیامد، به ناچار شب هنگام، آن را به امانت به خانه خود برد، ولی آن شب را تا صبح نخوابید.

عایشه با دیدن پریشانی حضرت، دلیل آن را از ایشان پرسید. پیامبر صل الله علیه و آله فرمود: «می ترسم شب بمیرم و این امانت به عهده من بماند و به دست صاحبش نرسد. (مجمع البیان: ج 3، ذیل آیه 58 سوره نساء)

نتیجه گیری :

امانتداری از جمله مواردی است که خداوند از آن به عنوان یکی از ویژگی های مؤمنان واقعی نام برده است. در قرآن و احادیث توصیه فراوانی به امانت داری شده است. قرآن کریم در سوره مومنون آیه 8 در بیان اوصاف اهل ایمان، با اشاره به وصف امانتداری آنان، می فرماید : والذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون؛ و آنان (مومنان) امانت ها و عهدهای خود را رعایت می کنند. پیامبر اکرم (ص) در توصیف اهل ایمان می فرماید: «امینا علی الامانات؛ مومنان نسبت به امانات مردم امین هستند و نیز فرمودند: «از اخلاق اهل ایمان این است که هر گاه مورد اطمینان و اعتماد مردم واقع شود (و امانتی بدو سپرده شود) خیانت نورزد». علاوه بر آن در سیره پیامبر (ص) امانت داری ایشان بسیار حائز اهمیت است و می توان از کلام و سیره ایشان به عنوان الگویی ناب برای زندگی خودمان استفاده کرد. امانتداری در اسلام به قدری مهم و جدی است که هیچگونه عذری برای ترک آن وجود ندارد و امانت در هر موقعیت و شرایطی، باید به صاحبش باز گردد.

منابع و ماخذ :

- 1 . ترجمه غررالحکم و درر الکلم، سید هاشم رسولی محلاتی، ج 4
- 2 . مقاله امانتداری، مجله معارف اسلامی فروردین، اردیبهشت، خرداد و تیر 1383، شماره 57
- 3 . ترجمه تفسیر مجمع البیان، محمد بیستونی، مشهد، آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، ۱۳۹۰ .
- 4 . ترجمه اصول کافی، محمد باقر کمره ای
- 5 . www.pajoohe.ir
- 6 . www.rasekhoon.net
- 7 . www.noorhadith.ir
- 8 . www.ghadir.org